

لایحه بودجه 97 مرهم یا نمک بر زخم مردم؟!

درددل‌های مردم را باید شنید و برای درمان آن کاری کرد. این را شاید بتوان خلاصه‌ای از مهم‌ترین بخش فرمایشات رهبر معظم انقلاب در دیدار روز 19 دی دانست. اقدامی که رهبر انقلاب از آن به عنوان «درمان زخم»‌های مردم یاد کردند.



درددل‌های مردم را باید شنید و برای درمان آن کاری کرد. این را شاید بتوان خلاصه‌ای از مهم‌ترین بخش فرمایشات رهبر معظم انقلاب در دیدار روز 19 دی دانست. اقدامی که رهبر انقلاب از آن به عنوان «درمان زخم»‌های مردم یاد کردند.

برای التیام این زخم‌ها، همه دستگاه‌ها باید کمر همت ببندند. قوه قضائیه به نحوی، دولت و مجلس هم هر یک به نحوی دیگر. راه‌های زیادی هم برای بهبود زخم‌ها وجود دارد که بی‌تعارف هیچ یک از این قوا نرفته‌اند و نخواسته‌اند به خود زحمت بدهند، اما زخم هست و عمیق‌تر می‌شود. موضوعات فراوانی قابل بررسی در اجرای این دستور است که در آینده هم به آنها خواهیم پرداخت، اما یکی از نزدیک‌ترین ابزارها برای التیام زخم‌های مردم، لایحه بودجه 97 است. لایحه‌ای که دولت اصرار دارد مجلس آن را دست‌نخورده و بدون تغییر تصویب کند! باید دید آیا این لایحه با وصفی که به مجلس تقدیم شده، مرهم زخم‌های مردم است یا نمکی بر آن زخم‌ها؟! این گزارش به این موضوع می‌پردازد.

هیاهوی روزهای اول

یادتان هست که در نخستین روزها، هیاهوی وسیعی راه افتاد تا مردم را متوجه ارقام بودجه‌ای برخی موسسات خاص کند. نهاد رهبری در دانشگاه، موسسه امام خمینی (ره) (به مدیریت آیت‌الله مصباح یزدی) جامعه‌المصطفی علیه‌السلام و... رئیس‌جمهور هم خوشحال از این سوگیری خاص، با خوشحالی زایدالوصفی گفت: شما نمی‌دانید من این روزها چقدر خوشحالم که مردم درباره بودجه حرف می‌زنند! و البته منظورش همین حرف‌ها بود! در همان جلسه رئیس‌جمهور باز هم شعار شفافیت داد. اما خوب بود ایشان به مردم می‌گفت که آنچه بر سر آن، این همه هیاهو می‌شود، کلا حدود 7 دهم درصد بودجه را تشکیل می‌دهد! یعنی همه این هیاهو، حتی یک درصد بودجه را هم در بر نمی‌گیرد! تازه خوب بود می‌گفت که این ارقام در سال‌های قبل به دستگاه‌های مربوطه داده شده است؟! مثلاً می‌گفت که چرا بودجه نهاد رهبری در دانشگاه به عنوان مجموعه‌ای فرهنگی و مورد مراجعه و نیاز خیل عظیمی از دانشجویان داده نشد و حقوق کارکنان با تاخیر مواجه شد؟! راز استعفای مسئول نهاد چه بود و...؟! اینها نشان می‌دهد که باید هیاهو باشد تا 7 دهم درصد مهم جلوه کند و مردم از 99 درصد دیگر بی‌خبر باشند!

مروری بر برخی ردیف‌های بودجه نشان می‌دهد شعار شفافیت، حرف خنده‌داری است برای بازی‌های سیاسی وگرنه خوب است درباره برخی موضوعات زیر به مردم گزارش داده شود تا معلوم شود بودجه به کام کیست؟!

811 هزار میلیارد تومان!!

811 هزار میلیارد تومان از اعتبارات بودجه سال 97 مربوط به شرکت‌های دولتی است! عددی که رئیس‌جمهور هرگز در سخنان آتشین خود به آن نزدیک هم نمی‌شود و سعی می‌کند کسی دیگر هم چیزی نگوید! راستی چرا این بزرگ‌ترین رقم بودجه باید از نظر و نگاه مردم مخفی بماند؟! مردم نباید بدانند این بودجه هنگفت به کدام شرکت‌ها می‌رود، مدیران آنها کدام افرادند و عایدی و سود آنها برای مملکت چه بوده؟! مثلاً چرا نباید فهرستی از شرکت‌های زیان‌ده و سودده می‌دهی که این 811 هزار میلیارد را می‌گیرند به مردم داده شود؟!

در این باره حسینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس سؤال جالبی پرسیده که نشان می‌دهد دولتی‌ها، نه تنها با مردم که حتی با نمایندگان مجلس هم شفاف نیستند و احتمالاً کسی قصد دارد سر آنها را هم کلاه بگذارد! او می‌پرسد: «سؤالات مهمی در مورد بودجه شرکت‌های دولتی وجود دارد، مثلاً چرا شرکت‌های زیان‌ده در بخش شرکت‌های سودده نوشته شده‌اند؟ چرا سود سهام شرکت‌ها به شکل دیگری نوشته شده است؟ سود سهام شرکت‌ها بر چه اساسی برآورد شده است؟ آیا مصوبات مجامع شرکت‌ها را در نظر دارند؟ چه اتفاقی در شرکت‌ها افتاده است که قصد دارند درآمد‌های خود را افزایش دهند؟»

خوب است مردم عزیز بدانند اغلب شرکت‌های دولتی (قریب به تمام آنها) زیان‌ده هستند و هزینه‌شان به تمامی از جیب مردم پرداخت می‌شود! مدیران و مشاوران و اعضای هیئت‌مدیره و... این شرکت‌ها هم نوعاً به صورت غیرتخصصی و براساس برخی مناسبات (حزبی-سیاسی-حتی فامیلی!) انتخاب و منصوب می‌شوند! این وضع فاجعه‌آمیز در حالی است که طبق سیاست‌های اصل 44 شرکت‌های زیان‌ده باید

منحل می‌شدند و یا به صورت سازمان و دستگاه‌ها و وابسته به وزارتخانه‌ها و تخصصی خود اداره می‌شدند. اما ظاهراً برخی منافع مانع این کار شده. راستی شما هم شنیده‌اید برخی شرکت‌ها حیاط خلوت دولت است؟!

بالاخره 811 هزار میلیارد تومان بودجه، رقم کمی نیست!
هوای تازه چند؟!

افزون بر آن رقم افسانه‌ها و ای و غیر قابل تصور، برخی بودجه‌ها و البته بی‌سروصدا هم در لایحه سال 97 هست که نمی‌دانیم به آن بخندیم یا گریه کنیم؟!

چند سالی است مسیر فرودگاه امام خمینی (ره) تا تهران، از بوی نامطبوعی سرشار است و شامه مردم را می‌آزارد. صد البته این بو قدیمی است ولی حالا آن محل، محل تردد مسافران خارجی هم هست و اگر تا پیش از این اهمیتی نداشت، به یمن قدم این مسافران عزیز (!) مهم شده و باید حل شود.

درباره منشأ این بود، چندین حدس و گمان وجود دارد ولی حقیقت امر این است که مسئولان امر صراحتاً اعلام کرده‌اند؛ منشأ بو را نمی‌دانند. بیشترین حدس این است که بوی نامطبوع مربوط به زباله‌های تهران، مدفون در کهریزک باشد.

حال چه باید کرد؟! می‌توانید پاسخ را در قالب یک ردیف بودجه ذیل عنوان «جدول برآورد اعتبارات ردیف‌های متفرقه» در لایحه بودجه سال 97، با اعتبار یک هزار میلیارد ریال گنجانده شده ملاحظه کنید. دولت محترم 100 میلیارد تومان بودجه برای رفع بوی نامساعد اطراف فرودگاه امام خمینی (ره) تخصیص داده آن هم در شرایطی که هنوز منشأ این بو مشخص نشده است! راستی وقتی نمی‌دانیم علت چیست، قرار است با معلول چگونه برخورد کنیم؟! آیا دولت می‌خواهد اسپری خوشبو و کهنه در محل استفاده کند!

یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که قرار است روزانه بیش از 270 میلیون تومان برای رفع این بوی مجهول؛ منشأ از مسیر فرودگاه هزینه شود! یعنی ساعتی 11 میلیون تومان!

به نظرتان ساعتی یازده میلیون تومان کمی زیاد نیست؟! آن هم برای کاری که اصلاً نمی‌دانند چیست؟! چه خوب است دولت شفاف‌سازی کند و پیمانکار قدرتمندی که توانسته چنین عدد هنگفتی را به بودجه کشور وارد کند، به مردم معرفی کند.

دکوراسیون مدیران!

افزایش هزینه‌های جاری دولت، نکته تلخ و تأسف‌بار مهمی است که می‌کوشند دیده نشود. این موضوع به جز حقوق و دستمزدها و برخی عامدانه تلاش دارند این دو را مخلوط کنند. اگر دولت تنها و تنها همین یک قلم را اصلاح می‌کرد، در اشتغال کشور به واسطه به حرکت درآمدن چرخ‌های عمرانی، انقلاب بزرگی ایجاد می‌شد. دولت با همین یک کار می‌توانست حداقل 50 هزار میلیارد تومان از هزینه‌های خود را کاهش دهد. این رقم کمی نیست. می‌توان عین این رقم را در پروژه‌های عمرانی به کار بست.

اما اکنون این پول کجا می‌رود؟! حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده مجلس توضیح تلخی دارد. او می‌گوید: «برخی از اداره‌ها به طور مرتب در حال تعویض دکوراسیون خود هستند. چرا باید با ورود هر استاندار یا فرماندار جدید دکوراسیون دفتر کار یا مجموعه او تغییر یابد؟ حتی در مجلس هم به طور مرتب شاهد این تغییر و تحولات هستیم. ساخت و ساز و نگهداری مهمان‌سراها و دیگر از این موارد است که بسیار پرهزینه بوده و دولت می‌تواند با فروش آنها ضمن رهایی از نیروی انسانی و هزینه‌های ناشی از نگهداری این ساختمان‌ها، درآمد حاصل از آن را صرف اداره امور کشور کند.» او نمونه‌های تأسف‌بار دیگری را هم برمی‌شمارد: «چرا وقتی کشور در این وضع به سر می‌برد، وزارتخانه‌ها، اداره‌ها، سازمان‌ها و دیگر دستگاه‌ها اقدام به خرید خودرو و لوکس‌انچنانی می‌کنند... باید مسافرت‌های خارجی مسئولان ارشد کشور جز در موارد بسیار ضروری حذف و تعداد همراه‌های آنها کاهش یابد.»

به نظرتان مردم کشور، سهمی در آن دکور و آن یکی هتل و آن خودروی لوکس و... دارند؟! دولت فقر ملت را به قیمت زیبایی اتاق مدیران می‌بیند و فریاد شفافیت هم سر می‌دهد!

فراموشی مسکن

ممکن است کسی بگوید دولت در کنار آن بودجه‌های عجیب و غریب، برای مردم هم فکر کرده است. برای کشف صحت این احتمال، ردیف‌های بودجه را زیر و رو می‌کنیم. یک نیاز مهم مردم، مسکن است. شوربختانه می‌بینیم که هیچ اقدام منطقی و معقولی برای کمک به صاحبخانه شدن مردم در بودجه وجود ندارد! این یعنی یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی بشری یعنی مسکن در دولت دیده نشده و به دست فراموشی سپرده شده است! اگر علت را بپرسیم پاسخ لابد این است که بودجه نداریم! جواب را باید در ردیف‌های دیگر جست‌وجو کرد که بودجه به بیراهه رفته است و نمک به زخم مردم شده. چندی قبل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با ارائه گزارشی به صراحت اعلام کرد: «دولت درک صحیحی از شرایط بحرانی مسکن در تدوین لایحه بودجه سال 97 نداشته است.» همین عبارت به تنهایی گویای نگاه دولت به این مشکل مهم مردم است. در بخشی از این گزارش آمده: «آنچه باید مورد توجه بیشتر قرار می‌گرفت، درک صحیح از شرایط بحران مسکن و تقویت مبادی مهاجرت،

اتخاذ تصمیمات صحیح برای رونق و ایجاد تعادل در بازار مسکن باشد که در لایحه بودجه سال 97 ردی از آن مشاهده نمی‌شود. رویکردهای اتخاذ شده در ماده واحده لایحه بودجه 97 هیچ‌گونه حکم خاصی در خصوص مسکن و شهرسازی که بتواند ضامن ارتقای این بخش باشد، ارائه نکرده است. عبارت هیچ‌گونه حکم خاصی... به تنهایی گویای عمق فاجعه و دور بودن بودجه از التیام این یک زخم زندگی مردم نیست!

جلسه‌ای 37 میلیون تومان!

اگر در بودجه سال آینده برای مسکن مردم فکری نشده، در عوض برای هر جلسه هیئت دولت 37 میلیون تومان بودجه پیش‌بینی شده است! یعنی رئیس‌جمهور و اعضای محترم دولت برای هر دورهمی و گفت‌وگو درباره مشکلات کشور، 37 میلیون تومان در نظر گرفته‌اند! علی‌برکت‌الله! طبیعی است که بافت فرسوده فلان روستای محروم نباید بازسازی شود و با کوچک‌ترین زلزله به سر مردمش خراب شود و از مردم تلفات بگیرد!

چه خوب بود دولت در این باره شفاف‌سازی می‌کرد که در یک جلسه دو، سه ساعته چه اتفاقی قرار است بیفتد که هزینه هر باره آن 37 میلیون تومان است؟! حدود 5 سال است که این جلسات برگزار شده و ثمر آن را می‌بینیم.

مردم و کارشناسان از رقم‌هایی که دولت برای بودجه 97 پیش‌بینی کرده همچون قیمت غیرواقعی دلار، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، حذف حدود 30 میلیون یارانه‌بگیر، افزایش فشار مالیاتی، بودجه‌های سرسام‌آور برای امور جاری برخی نهادهای وابسته به دولت و... اظهار نگرانی می‌کنند.

نشست‌های صد میلیونی!

در نمونه‌های دیگر، می‌توان به بودجه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری که مدیریت آن را حسام‌الدین آشنا به عهده دارد، اشاره کرد. فارغ از اصل کارکرد چنین مجموعه‌ای برای مردم و اینکه چه خروجی این مرکز با این نام زیبا داشته، در بودجه می‌بینیم که قرار است این مرکز در سال آینده ۳۰ نشست و همایش برگزار کند که بودجه مجموع آنها ۳ میلیارد و 400 میلیون تومان پیش‌بینی شده است! یعنی میانگین اعتبار هر یک از این نشست‌ها ۱۱۳ میلیون تومان است! به نظر شما در این نشست‌ها قرار است چه اتفاقی بیفتد که این هزینه‌ها برای آن مباح است؟! آیا این هم حیاط خلوتی دیگر است؟! شبیه این بند در ارقام در بودجه 97 باز هم هست. معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور بابت هر گزارش و تحلیل داده‌های آماری ۴۰ میلیون تومان حق‌و‌لزحمه داده دریافت می‌کند! و جالب‌تر آنکه هر جلسه دبیرخانه ستاد ملی زن و خانواده ۸ میلیون تومان هزینه دربر دارد! اینکه آن گزارش‌ها و این جلسات چه آورده‌ای برای زنان و دختران مملکت دارد، بحث دیگری است که بارها و بارها به آن پرداخت شده و درباره خطر نفوذ جریان‌های فمینیستی و ضد دین در این گونه مراکز هشدار داده شده است.

دست در جیب

اکنون آنچه از خاصه‌های خرجی‌های دولت را خواندید در کنار افزایش نرخ حامل‌های انرژی، قطع یارانه‌ها، افزایش عوارض، افزایش قیمت خرید پایان خدمت، افزایش شهریه دانشگاه و خوابگاه و ده‌ها افزایش دیگر قرار بدهید تا بدانید بودجه سال آینده، نمک بر زخم‌های اقتصاد است یا مرهمی بر دل مردم! تا اینجا روشن شده که دولت برای مخارج خودش، دستش را در جیب مردم کرده است ولی برای رد گم‌کنی، هیاهو درباره ارقام ناچیز را در دستور جریان زنجیره‌ای قرار داده است.

هم دولت و هم نمایندگان مجلس می‌توانند هم‌اکنون که هنوز بودجه به تصویب نرسیده، ثابت کنند که عزمی جدی برای مرهم گذاشتن بر زخم‌های معیشتی مردم را دارند. این آزمون بزرگی برای اثبات صداقت آنهاست.